

# شش ماهنامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

د افغانستان اسلامي جمهوریت د اطلاعاتو او فرهنگ وزارت  
 د افغانستان اسلامي جمهوریت د اطلاعات و فرهنگ وزارت  
 Ministry of Information and Culture  
 ریاست عمومی نشرات  
 امریت ثبت صدورجواز رساله ها وموسسات

۸۱۶  
 ۱۳۹۰ / ۹ / ۶

محتـ ر م ( عبدالخیر مرادی ) !  
 جریده ماهوار زیر نام ( شنسب ) به امتیاز شما ومسئولیت محترم غلام ربانی هدفتما  
 تحت نمبر ( ۳۶۰ ) مورخ ۱۳۹۰ / ۹ / ۶ به دفتر اسناد این امریت ثبت گـ رسید.

وزیر اطلاعات و فرهنگ  
 رئیس عمومی نشرات  
 امریت ثبت و صدور جواز  
 رساله ها وموسسات

## رییس معارف غور توقیف گردید

روزنامه افغان پژواک - رسانه های تیم پی آر تی



چهارشنبه 1390/7/27 احمد توابع رییس معارف ولایت غور به جرم رشوت گرفتن توسط کارمندان امنیت ملی دستگیر گردید. دگروال عبدالسمیع سرپرست امنیت ملی به روزنامه افغان پژواک گفت: احمد توابع ساعت 05:00 عصر روز چهارشنبه به دفترش توسط کارمندان امنیت ملی بازداشت گردید. حاجی عبدالحکیم معاون ریاست معارف چنین ابراز نظر کرد. این یک مثال است که دولت جمهوری اسلامی افغانستان مشتاق وخواهان محو فساد اداری می باشد و همچنین این نشان می دهد که دولت جمهوری اسلامی افغانستان می خواهد که خدمات عمده و ضروری را برای آینده بهتر افغانستان انجام دهد و برای آینده بهتر افغانستان حکومت افغانستان به کمک و همکاری شما مردم نیاز دارد اگر کدام عمل مشکوک از فساد اداری و غیره... می بینید بدون کدام شک وتردید مسقیماً با مقامات امنیت ملی خبر بدهید، بخاطریکه بدون همکاری ملت؛ دولت قادر نیست که فساد اداری را از افغانستان محو و نابود گرداند به این صورت دولت نیاز به کمک و همکاری شما دارد.

# پدر معارف غور

### غلام ربانی هدفتما

احمد توابع در مائة اخیر سال 1389 به مقام ریاست معارف غور انتصاب شد، او همزمان به تقررش علیه فساد به مبارزه برخاست، افراد که با دامن تر در رده های دوم و سوم معارف قرار داشتند و موجبات زندانی شدن محمد نعیم فروغ رییس اسبق معارف را فراهم کرده بودند؛ سلب صلاحیت کرد. احمد توابع ظاهراً به خاطر مبارزه علیه فساد به آدمی تند خو و دو آتشه معروف شد. هیولای که تمام کارمندان معارف جرئت ملاقات با وی را از دست داده بودند. سناتور محمد داود غفاری عضو کمیسیون سمع شکایات مشرانو جرگه جمهوری اسلامی افغانستان با نقل قول از فاروق وردک وزیر معارف در نشست غیر رسمی گفت: «اوضاع معارف غور مطالعه شده، نابسامانی ها و خلا های کلانی مشهود بود که وزیر معارف را مجبور ساخت تا غرض اصلاح امور احمد توابع را به این مقام نصب کند». در آغاز کار؛ احمد توابع دستگاہ فاسد قدیمه را سلب صلاحیت و خانه نشین کرد و به هیچ کسی فرصت نداد تا به کار هایش دخالت کند. اما قاجاقبران سیاست و دلآلان پول و اداره؛ او را از خط السیر تعیین شده منحرف نمودند و با دستگاہ فاسد خریداری شده همکاسه اش کردند. «هر چند پس منظر مأموریت های سابقه وی هم مطلوب نبوده» تا اینکه در جاه فساد؛ تنها سقوط کرد. شناختی که ما از معارف غور داریم این است که دستگاہ دلآل و وجدان فروش معارف غور از پایین تا بالا فاسد است. افراد دست چهارم، سوم و دوم معارف غور؛ ده سال تمام است که این اداره را بی پالان سواری می کنند، فساد از دامن به روان آنها سرایت کرده است و به خاطر نجات خود تا آخرین نفس تلاش می کنند که قناعت رده های بالا را فراهم کنند که کرده اند. روزی 3 حمل 1390 با جمعی اساتید دارالمعلمین عالی و فرهنگیان غور به دفتر داکتر عبدالله هیواد والی غور رفتیم و از رویه و طرز سلوک احمد توابع با مشتریان اداره معارف شکایت کردیم والی غور احمد توابع را با اوصاف نیک توصیف کرد و طرز سلوک او را به مقصد ترمیم و اصلاح وضعیت فعلی معارف نیک پنداشت و گفت: «به جای رییس معارف من از شما معذرت می خواهم، فساد حاکم در دستگاہ معارف او را مجبور کرده که چنین رویه کند. افراد فاسد و ناشایسته و ناباب معارف می خواهند او را به کار نگذارند، قرار بود هشت نفر افراد فاسد معارف همین روز ها به سارنوالی معرفی شوند اما آنها متوصل به عذر شدند و دست های فاسد خود را به یخن رییس معارف انداختند، من هم آنها را برای همین بار بخشیدم». قرار معلوم قناعت آقای هیواد هم فراهم شده بود. احمد توابع هم با یک تن از مسؤولین مربوط معارف گفته بود: «وزیر صاحب معارف برایم گفته است که ولایت غور زیاد مشکل دارد، جدی رفتار کن». این موضوع در مقاله زیر نام «هشت نفر» در شماره مائة حمل 1390 ماهنامه فیروزکوه چاپ شده بود. در آن مقاله از عبدالله هیواد خواهش کرده بودیم که عفو این هشت نفر به معنی جای دادن مار در آستین حکومت است. بقیه صفحه 2

## زاویه های تاریک روشن شد

قرآکریم و سنت پیغمبر(ص) منابع اصلی دین مقدس اسلام بوده، احکام و متون این دو منبع، ثابت و غیر قابل تغییر است. این متون به مقصد تبلیغ برابری، برادری مسلمانان، قطع جنگ های ذات البینی، از بین بردن خصومت و خون ریزی، تحکیم انسانیت در دنیا و در نهایت فراهم کردن اسباب و موجبات خیر و فلاح و رستگاری بشریت آمده است. باوصف که ما به این منابع ایمان کامل داریم اما شاهد جنگ های فراوان در جامعه خود بوده ایم که طرفین درگیر مسلمان و مدعی تحکیم نظام اسلامی بوده و هستند. دلیل این جنگ ها واضح است. این جنگ ها ریشه در دین مقدس اسلام ندارد به عقاید و باور های مردم ریشه ندارد. آنچه باعث شده این جنگ ها ردا دین ببوشد و نظام را تخریب و جامعه را در سوگ بپاشد؛ باور های حاکمیت جویانه افراد بوده و است که در گروهی گروه ها، احزاب، نژاد ها و زبان ها بوده اند. در حالیکه جنگ در بین مسلمانان قطعاً مجاز نیست در دین مقدس اگر دوفرد یا دو گروهی مسلمانان با هم جنگ می کنند بقیه مسلمانان ملگف اند تا آنها را باهم بشانند و دربین شان صلح بیاورند در صورتی که یکی از دو طرف بغاوت کند و صلح را نپذیرد بقیه مسلمانان ملگف اند تا همراهی باغی تازماتی بچنگند که به صلح تن دهد. جنگ های جامعه ما محصول نظریات و باور های افراد بوده است که به متون دین مقدس اسلام علم نداشته اند بلکه در روشنایی باور ها و خواست و احساسات شخصی خود، یا از مجبوریت به خاطر حفظ جان و نجات خانواده خود یا تعدادی افراد کم فهم به مقصد کسب مقام و جایگاه اجتماعی و سیاسی با اصدار فتوا های ناحق اسباب قتل و معیوب شدن هزاران انسان شدند، در حالیکه هیچ فرد صاحب اندیشه و بینش اسلامی برای خود اجازه نمی دهد که زیر احساسات مذهبی و زبانی و نژادی و وابسته گی های سیاسی و تنظیمی بالای دیگران اصدار فتوا نماید و بدون موجب جنگ را مجاز بداند و خون هزاران انسان را بریزد. قرآکریم قتل ناحق یک مسلمان را به منزله قتل تمام انسان ها بیان کرده است. اما طی این ده سال تا جای حقایق هویدا و زاویه های تاریک روشن شد و جوانب به حقیقت همدیگر باور کرده اند و از کشمکش ها و جنگ های مسلحانه دست برداشته اند. حالا از مذاهب مختلف و زبان ها و نژاد و تنظیم های مختلف اعم از زن و مرد در کنار هم در ادارات دولتی کار می کنند مراسم اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مشترک بر گزار می شود. که خیلی به نفع آرامی بوده و همزیستی را کمک می کند. چون طی این مدت مردم علم و توانایی و جرئت و فرصت پیدا کرده اند تا از آدرس رسمی، خود را به جانب مقابل تعریف کند. همنشینی و همزیستی سبب پر شدن خلا ها و از بین رفتن طرز دید های ناسالم می شود طوریکه همنشینی علمای مذاهب مختلف زمینه را مساعد ساخت تا در افغانستان حتی در ولایت غور شورای زیر نام تقریب مذاهب افتتاح شد. در حالیکه طی سالیان جنگ هیچ کسی جرئت و توان طرح ایده تقریب مذاهب را نداشت. طی سالیان جنگ افراد نا باب با استفاده از مراجع متعلق به عام مردم علیه عام مردم ظلم نمودند، که در نتیجه فاصله های بسیار عمیق بین زبان ها، اقوام و مراجعی دیگری که نزد مردم مقدس است؛ پیدا شد که تاحال در اکثریت مناطق کشور مردم بی دفاع به همان آتش می سوزند. در حالیکه طی این ده سال بسیار مشکلات حل شده و حقایق روشن گردیده است. امیدواریم وضع موجود حفظ گردیده و در راستای آرامی و همزیستی و بر داشتن فاصله با کمک جامعه جهانی تلاش های بیشتری صورت گیرد تا مردم افغانستان بیشتر از این ناحق دود تفنگ تنفس نکنند.

## ده سال و ده روز پس از مسعود

نظر محمد ثاقب - هرات

بدون تردید افغانستان کشوری است که در طول زمان بیشتر از هر کشور دیگر، از سوی دول دور و نزدیک آسیب پذیر بوده است، ولی این کشور همیشه موازی با زمان، شخصیتها و قهرمانانی را در آغوش خود پرورش داده است که در برابر دخالتهای مستقیم و غیر مستقیم بیگانه گان به تقابل پرداخته اند. طبیعی است، قدرتهای که منافع سیاسی، اقتصادی و اعتقادی خود را درین سرزمین نهفته می بینند، میخواهند که با دور ساختن موانع از سر راه خود، به این اهداف خصمانه خود متوصل شوند. چنانچه تاریخ معاصر افغانستان گواه صادقی است که همواره متجاوزین به نامهای متفاوت، بزرگترین چهره های سیاسی و مردمی این ملت را نابود ساخته اند. درست درحدود بیست سال قبل گروه محتر و ناشناخته با شعارهای مقدس ولی بدون عمل به صورت متاع بی رونقی از بازارهای خارجی بخاطر بهره وری سیاسی وارد حریم ما گردیدند. این قشر ناشناخته به هیچ یک از افشار اجتماعی افغانستان سازگار نبودند، لذا به همه آحاد جامعه نا مانوس بودند، شاخصهای آنان هیچ نوع تطابقی به عنعنات ملی و دینی ما نداشت. اما سوال اینجاست که این اجناس وارداتی یکباره مصرف، از کجا سازماندهی می شدند؟ واضح است که این پدیده منحوس از سوی سازمان استخبارات نظامی پاکستان به صورت نمایان تمویل و حمایت میشدند. و سرانجام دیری نگذشت که شبکه القاعده هم با این دو پدیده شوم ملحق شد، که از نتیجه تلاقی این سه جریان یک مثلث منحوس، عرض اندام کرد، که هر یک از اضلاع آن حامی ضلع دیگرش شد. به محض پیوست شدن این سه پدیده، سازمان استخباراتی پاکستان به عنوان آمر و این دو جریان دیگر به حیث مأموران مخلص و فرمانبردار او به همه خواسته های خصمانه اش لیبیک گفتند. بقیه صفحه 3



## پدر معارف ...

زیرا این همان هشت نفر آلوده ای اند که به خاطر نجات خود همیشه رؤسای معارف و والی ها را به هر شکل که شده قناعت داده و به دام انداخته اند و این بار هم احمد تواب را عالمانه و سنجیده «چپ بلا» کردند تا بار دیگر معارف را به میل خویش سواری کنند. هر چند احمد در دوران مأموریتش از شهرت نیک بر خوردار نبوده و احتمالاً با نام جعلی به ریاست معارف غور نصب شده باشد، چون نام او در کارت رأی دهی «محمد تواب» بوده که قلم خور نموده تا «احمد تواب خوانده شود». احساس مسؤولیت، وظیفه شناسی، تعهد و ایماننداری کارمندان فعال و میهن دوست امنیت ملی در راه مبارزه علیه فساد اداری قابل ستایش و تقدیر است. برای آنها از بارگاه حق توفیق بیشتر آرزو می کنم. زیرا؛ اصلاح وقتی در روان اداره نفوذ می کند که ارگان های کشفی، عدلی و قضایی بر مجرمین سهل نگیرند و احکام قوانین به معنی واقعی بدون استثنا در جامعه تطبیق شود. اما سؤال اینجاست؛ احمد توابی به آن تندی که به قول خودش فاروق وردک کمر همتش را بسته بود تا با فساد مبارزه کند؛ چگونه به کون این ها سر گذاشت؟ از باب دیگر فاروق وردک با اعتماد و اتکا به احمد تواب و امثالهُ در باب شفافیت کار های معارف کلمه «چلنج» را بی محابا به زبان می راند یا کدام مرجعی دیگری؟؟ هشت نفر فاسد که شهرت مکمل آنها تا اکنون هم به کیسه چین عبدالله هیواد به سر می برد؛ در ابتدا سلب صلاحیت شده بودند، از کدام راه وارد عمل شدند و قناعت احمد تواب را فراهم کردند؟؟ هشت نفری که به منظور برأت خود و به هدف اینکه با وزیر معارف و والی غور ظاهراً خود را غم شریک نشان دهند؛ و باز هم از این آب گل ماهی بگیرند کوچک به کوچک؛ دروازه های ارگان های ذیربط را تک تک می کنند تا با نشان دادن همدردی بار دیگر سر نوشت معارف به آنها تعلق بگیرد.

توقع می رود ارگان های کشفی، عدلی و قضایی دویدن و واسطه بازی اینها را در ردیف ادله اثبات جرم قلمداد نمایند. زیرا اسنادی که از دوره مأموریت آنها به دسترس رسانه ها قرار دارد؛ اگر ریشه یی و بدون مسامحه بررسی شود بدون شک پرده از روی کار های جعلی آنها بر می دارد و چهره های حقیقی آنها به نمایش گذارد و بعد همه ایمان خواهند آورد که هیچ اداره ای به اندازه معارف فاسد نبوده؛ حنا شاروالی !!

انتظار داریم که والی ولایت غور هم بعد از این رسوایی به مسایل عمیق شود و به عنوان زاده غور متوجه قضاوت تاریخ غور در قبال مدیریت خود باشد. بیشتر از این به پارت و تیم فکر نکند. شهرت «هشت نفر» که به گفته خودش دلایل الزام کافی برای محاکمه آنها را آرشیف نموده است به ارگان های عدلی و قضایی بسپارد تا عدالت جامعه عمل ببوشد در غیر آن روزی خواهد رسید که به عنوان مسؤل درجه (1) اداره محلی غور به سر نوشت احمد تواب دچار شود.

پیشنهاد ما به وزیر معارف این است که باید به تعهد خود در باب مبارزه با فساد عمل کند و فساد حاکم در دستگاه معارف غور را از پایین به بالا ریشه کن سازد و نگذارد که اداره معارف بیشتر از این توسط افراد شکم پرست گول زده شود. افرادی که این روز ها خود را غم شریک اداره حکومت تعریف می کنند و با تماس های تلفونی پی در پی چاشت 30 میزان 1390 به وزیر صاحب معارف اعضای تیم خود را پدر معارف تراشیدند و مدعی شدند که: «فلانی پدر معارف غور است و مجاهد است و مسلمان است...» ما او را به عنوان سرپرست معارف لازم دیده و تعیین کرده ایم شما هرچه عاجلتر مکتوب او را روان کنید. با جعل و تراشیدن اوصاف دروغین می خواهند به اعتماد مردم نسبت به وزیر و وزارت معارف را بیشتر صدمه وارد کنند. بناءً خواهش ما از وزیر معارف این است که شخص خودش به حال معارف غور فکری مناسب و عالمانه کند زیرا طی ده سال گذشته یکنفر مؤمن، متعهد و صادق حتا در رده های دوم معارف هم استخدام نشده است، توقع می رود این بار به حال معارف غور تصمیم عالمانه و عاقلانه گرفته شود. انتصاب و انتخاب افراد که در تجربه، برابند نیک نداده اند؛ در رأس معارف برای هیچ کسی قابل قبول نیست زیرا همین ها بوده اند که رؤسای معارف را به بیراهه برده اند در صورت که اینها فاسد نمی بودند، یک نفر که از خارج ولایت به عنوان رییس تعیین می شود به هیچ صورت دست به فساد برده نمی تواند. بناءً ایجاب می کند که آقای وردک وزیر معارف جمهوری اسلامی افغانستان به هدف حل مشکل معارف غور، خود دست به کار شود تا بیشتر از این اعتماد مردم نسبت به معارف آسیب نبیند. در غیر آن هر آدم معتمد را که به اینجا بفرستد، بعد از چند همکاسه بزرگان می شود و تا دستگیر شدن، معارف سوزی می کند که سودی ندارد به جز بدنامی.

این اعلامیه قبلاً به مراجع دولتی سپرده شده است

اکنون مجدداً بر پیگیری آن تأکید می کنیم.

## به کسی اجازه نمی دهیم که از آب گل ماهی بگیرد

جهاد و مقاومت مردم مسلمان و مجاهد افغانستان در صفحات زرین تاریخ آزادی خواهی های جهان نیک حک و آرشیف شده است. مجاهدین و مقاومتگران حماسه آفرین؛ آزادی این مرز و بوم را در بدل جان، خون و مال خود به دست آورده اند. شکست مرز های امتیاز طلبی و تحکیم برابری و برادری و درب باز مؤسسات تحصیلی به روی عام مردم کشور؛ برابند بزل مساعی جمیله مجاهدین و مقاومتگران دلیر و پاکدل این سر زمین است. دشمنان بی خرد و ددمنش توان مبارزه مستقیم با منطق والای دین مقدس اسلام و مسلمین را از دست داده اند همواره می کوشند تا از طریق ممکن اخوت و برادری مجاهدین را خدشه دار نمایند و در بین مجاهدین و مقاومتگران، و تحصیلکرده های مسلمان و مؤمن و متعهد خلا های را بوجود بیاورند تا وضعیت به نفع آنها شود.

در این روز های پسین هم شبنامه های که شایسته و بایسته آزادی بیان و کرامت انسانی و مقام والای قلم نیست؛ به آدرس الحاج قوماندان احمد مرغابی نوشته و به آدرس های مشکوک ارسال کرده اند. در حالیکه الحاج قوماندان احمد مرغابی در روشنیایی تاریخ یک تن از فرماندهان دست نخست مجاهدین و مقاومتگران که در طول دوران جهاد و مقاومت علیه بیداد گری ها، خستگی ناپذیر رزمیده است؛ تعریف شده است. مرد که زحمات و تلاش های مردانه اش را هیچ گاهی تاریخ معاصر این جغرافیا فراموش نمی تواند.

بنیاد های فرهنگی و رسانه های که این اعلامیه را امضا کرده اند، و قبلاً به مراجع مسؤل سپردند، بزل مساعی جمیله او را در راه آزادی این سرزمین تقدیر می کنند و هر گونه تعرض به مقام والای جهاد و مجاهدین و مقاومتگران افغانستان بویژه مجاهدین متعهد غور را به دور از انصاف و عدالت و انسانیت و ایمان داری می دانند و هر نوع توطئه و موضع گیری علیه مجاهدین و فرزندان مسلمان این مرز و بوم را شدیداً محکوم می کنند. زیرا افراد نامسلمان و فرصت طلب از هم دلی و برادری فرزندان مؤمن و متعهد این سرزمین شدیداً حراس و ترس دارند از همین رو تلاش می کنند که روابط بین مجاهدین را تیره کنند و از این وضعیت نفع برند. خواست ما از ارگان های مسؤل اداره محلی بویژه والی ولایت غور این است که این جریان غیر انسانی را پیگیری کنند و عاملین آن را شناسایی نمایند و به پنجه قاتون بسپارند تا دیگر هیچ بی ایمانی جرئت نتواند که از خون فرزندان مسلمان این جغرافیا تغذیه کند.

تعهد ما در برابر خداوند(ج) و مردم مسلمان و مجاهد پرور جغرافیای با ایمان غور این است که با اتکا به خداوندیپاک، در روشنیایی آیات قرآنکریم و سنت پیغمبر(ص) به هر قیمت که باشد؛ در راه خیر، فلاح و رستگاری می کوشیم و به هیچ کسی اجازه نمی دهیم که آب را گل کند و ماهی بگیرد.

## لکچر آگاهی اطفال افغانستان

### از خطرات ماین ها

رسانه های تیم پی آر تی

نیروهای تیم بازسازی ولایتی (پی آر تی) تحت رهبری کشور لیتوانیا مقیم چغچران در 10 اکتوبر یک لکچر آگاهی را در رابطه به خطرات و تهدید ماین ها در مکتب نسوان خدیجه الکبرا آماده ساختند.

در جریان این لکچر برای 50 تن شاگردان لیسه دخترانه تشخیص ماین ها، مهمات انفجار نشده و ماین های خطر ناک آموزش داده شد و برای آنها آموزش داده شد که هرگاه کدام مواد و یا علامت نشانی شده را می بینند تا رسیدن نیروهای امنیت ملی افغانستان چه باید کنند.

دست کم 1200 دختر مشغول آموزش در این مکتب اند و پی آر تی روابط مستحکم خود را با اعضای مکتب دارد و نیروهای پی آر تی بصورت منظم در مکتب برای ملاقات و مصاحبه اشتراک میورزند.

مجموعاً، 700 مکتب و 250000 دانش آموز در ولایت غور مشغول آموزش اند و اکثریت این مکتب دارای تعمیر نمی باشد و شاگردان در داخل خیمه ها و در روی زمین درس می خوانند و معلمین مسلکی کمبود دارند.

اما جامعه بین المللی توجه به خصوص خود را در سطح معارف افغانستان داشته است. و اوضاع رو به ترقی است و پی آر تی همچنان برای رشد این موضوع گام های را برداشته است.

برای حمایت از سکتور معارف 6,9 ملیون دالر برای اضافه تر از 150 پروژه به مصرف رسیده است، تعداد زیاد کورسها برای معلمین تدویر یافته است، برای مکتب مویل و فرنیچر و لوازم آموزشی کمک شده است. و در حدود 100 باب مکتب توسط کشور لیتوانیا و یا سازمان های دیگر تکمیل و یا تحت کار می باشد.

تعلیم خوب کلید موفقیت است.

## از هر دهن، سخنی

- 1- بعد از دستگیری احمد تواب گزینش هیچ یکی اعضای فعلی معارف به پست ریاست معارف مناسب نیست.
- 2- عبدالله هیواد به خاطر کسب منافع؛ نه دوست دایمی دارد و نه دشمن دایمی می خواهد.
- 3- عبدالله هیواد والی غور، فتوای سراسری علمای غور را در باب مشروعیت نظام و حرمت انتحاری به دست آورد نتوانست.
- 4- گمان می رود بعضی مسؤلین امور، شب و روز، با ویب سازی و ویب گردی توطئه می کنند تا اعضای رسانه های آزاد و غیر دولتی را از صحنه حذف کنند. در حالیکه (احیا و اماتت متعلق به قدرت خداوند(ج) است).
- 5- تبلیغ نفر شماره (1) مبنی بر پاک بودن احمد تواب رییس رشوت خور معارف؛ دروغ از آب درآمد.
- 6- هر کس بخواهد موتر خود را اسناد کند، مجبور مبلغ 1500 افغانی را خلاف قانون برای مدیر یا کارمندان مدیریت ترافیک تحویل نماید، اخذ این مبلغ توسط مدیریت ترافیک، راه قانونی ندارد، مسولیت پیگیری این قضیه را قوماندان صاحب امنیه ولایت غور دارد.
- 7- عبدالله هیواد قبلاً به رسانه ها گفته بود: «هشت نفر» اعضای معارف به اختلاس های کلان دست دارند، اما هویت آنها را فاش نکرد، اگر حالا هم هویت آنها را زیر چین خود پُت کند؛ شخصیت خودش بیشتر از پیش زیر سوال می رود.
- 8- اداره امور و سیاست نظام در دست دلالاتی است که شب و روز با استفاده از موقف های خود قانون را نقض می کنند و سعی می کنند تا مجرمین و اختلاس گران و رشوت خوران از توقیف خانه ها نجات دهند.
- 9- شهردار چغچران یک زمین را بالای ریاست های (مبارزه با حوادث، مبارزه با مواد مخدر و اقتصاد) فروخت.
- 10- والی غور با خلق توطئه و جعل ذهنیت های ناحق، می خواهد بنیاد های فرهنگی و رسانه های غیر دولتی را از پا در آورد.
- 11- مخالفت وکلای ملت با عبدالله هیواد والی غور و بعض رؤسای اداره محلی سری لحاف ملا نصرالدین است.
- 12- بعضی متخصصین کلینیک های صحی غیر دولتی، به دلیل حجم کار اکثریت مریضان را معاینه ننموده؛ نسخه را در روشنیایی چهره ظاهری مریض می نویسند.
- 13- اگر با وسایط نقلیه از پلچک دروازه باشگاه نفر شماره (1) تیر شوی و کارت به پنجرمین نکشد؛ یک گاو خیرات کن
- 14- فریدالدین عابد رییس زراعت به صلاحیت خود زمین کلینیک حیوانی را به آمریت ورزش بخشیده است.

## تهاجم فرهنگی خطرناکتر از توپ و تفنگ

نورالله نوری

تهاجم فرهنگی عبارت است از بین بردن و یا سست‌شوی باور ، افکار و عقاید انسان نسبت به یک چیز و جابجا ساختن عقاید جدید و اندیشه های نو در مغز همان انسان را بنام جنگ فکری یا تهاجم فرهنگی گویند که مثال صریح آنرا می توان جنگ فکری جهان غرب با جهان اسلام را سراغ نمود . گرچند کشمکش میان جهان اسلام و جهان غرب یا مسیحیت از زمان پیغمبر(ص) آغاز شده است اما در زمان جنگ های صلیبی به یک مقابله رویا رویی تبدیل شد . سر انجام مسیحیت در برابر اسلام ، چنانکه در عرصه اندیشه ، ایدئولوژی ، اخلاق و مبادی شکست خورده بود ، در عرصه سیاست و نظامی نیز شکست خورد . بنابراین رهبران جهان غرب تصمیم بر این شدند که از مقابله مسلحانه صرف نظر نموده و مبارزه فکری و فرهنگی را آغاز نمایند همین بود که در بین جهان اسلام چون تُرک ، عرب و فارس و ... آتش بد بینی را مشتعل ساختند اختلافات مذهبی را نیز در بین مسلمانان آغاز کردند و به مبارزات مهلک و زهرآگین خود شروع نمودند و می خواستند با این حربۀ فکری و اندیشه ای بر پیکر اسلام ضربه وارد کرده و مسلمین را از دین شان غافل و دور بسازند . لکن مسلمانان از همان فجر دعوت و سپیده دم اسلام در معرض چنین جنگ های قرار گرفته بودند اما اصولاً هیچ گوش را که بدان تبلیغات شوم گوش فرا دهد؛ نزد این پاک طینتان نمی توان یافت ؛ بدون شک صفای اسلام ، ایمان راسخ ، یقین ثابت و روی هم رفته صداقت در توجه به سوی خدا و آماده گی دلها برای گرفتن پند و نصیحت همه این پلان های ناجوانمردانه دشمن ناکام و به روی برنامه های اجرا شده آنها خط بطلان کشید . اما با تأسف فراوان در عصور اخیر مسلمانان به جانب دنیا روی آوردند و اسباب عزت ، وقار و تمکین خویش را بر طاق فراموشی گذاشتند . لذا این جنگ به خوبی توانست مأموریتش را انجام دهد و اهداف خویش را به طور ماهرانه به کرسی نشاند و مقاصد خود را به دست آورد . سبب پیروزی جنگ مذکور در عصر حاضر ضعف مسلمانان ، چند پارچه گی جهان اسلام ، تمیز نکردن دوست از دشمن و تقلید از فرهنگ غرب می باشد . سلاح جنگ فکری ماشین های زهری ، موشک های قاره پیما ، هوا پیما های پیشرفته و مدرن ، توپ ها ، بمب اتم و خمپاره ها نیست بلکه سلاح این جنگ کشنده تر ، مهمتر و بنیان براندازتر از آن است که تصور می کنیم . سلاحش شیوع افکار ، اندیشه ها و نظریات ضد اسلامی و همچنان ایجاد شک و تردید در تعالیم دینی و نهادهای گردن خصومت و بی اعتمادی در میان افراد جامعه اسلامی می باشد و اینها سلاح های هستند که اکثر مردم به زیان آنها توجه نکرده اند . لویس پاد شاه نهم فرانسه گفته بود که پیروزی بر مسلمانان از طریق برخورد نظامی امکان پذیر نیست و باید علیه عقیده و تقلید آنان مبارزه کرد و تنها با سلاح آهنی نمی توان بر مسلمان غالب آمد . تاریخ جنگ همزمان با تاریخ دین مقدس اسلام آغاز میابد . یعنی ؛ حق از همان زمان آغاز انصار و مددگاران با خود داشته و در مقابل آن باطل نیز از همان وهله نخست دارای همکاران و پیروان بوده است و قدامت آن به اندازه قدامت دین مقدس اسلام می باشد و بطور کل تا زمانیکه مسلمانان به عقیده شان متمسک باشد ؛ ادامه خواهد داشت . با این جنگ می توانند با زحمت اندک و تحمل خساره ناچیز پیروزی های زیادی را نصیب شوند . غرب امروز همانگونه که در زمینه صنعت ، تولید ودر ژرف کاوی های امور مادی و طبیعی با وسایل وایابزیر مدرن و عصری مجهز و مهیا شده است ؛ در حوزه اندیشه و فکر نیز مدرنیته نموده است و از نیرنگ های مختلف می تواند در بین مسلمین واسلام فاصله ایجاد نماید . آری : به جا است که بگویم جنگ فکری خطرناکتر و زنده تر از جنگ نظامی و ارتشی بوده و یا اینکه از توپ و تفنگ است . زیراکه این جنگ سرزمینی را تهدید نمی کند بلکه عقلی را تهدید می کند ، با لشکری رویا رو نمی شود بلکه با ملتی رویا رویی می کند، مساحت جغرافیای را تسخیر نمی کند بلکه فرهنگ را مسخر می نماید ، با موقعیت و پایگاه ویژه نمی جنگد بلکه شخصیتی را هدف قرار می دهد ، چاه را سم پاشی نمی کند بلکه شهر و عقول را مسموم می کند ، ادوات و آلات را تخریب نمی کند بلکه ثقافت و عقیده را به ویرانی می کشاند . از همین لحاظ است که این جنگ عمیقتر است . مقاومت و دفاع در برابر این نوع مبارزه به تلاش های بی وقفه و برنامه ریزی های ماهرانه هر مسلمان دارد تا بتوانیم جلوی آنرا بوجه احسن بگیریم . شایان ذکر است

## ده سال و ده روز...

چنانچه یکی از پلانیهای این سازمان، ترور سران جهاد و مقاومت بود، که متأسفانه اولین قرعه شوم این تفکر به نام یکی از بارزترین چهره های جهاد و مقاومت، احمدشاه مسعود گره خورد، به این ترتیب یک جراح عمیقی را به پیکره جهاد و مجاهدین وارد ساخت. واین عمل یک سرآغازی بود برای ازبین بردن سران جهاد در طی ده سال پس از شهادت مسعود، ودرین مدت، چهره های درخشانی دیگری نیز یکی پی دیگری، نابود شدند. خصوصاً در جریان سال جاری که کمیت این مفکوره به سرعت سرسام آوری صعود کرد. و متأسفانه آخرین قرعه به شهادت جانگداز پدر شهید ورهبر جهاد و مقاومت ورنیس جمهور پیشین افغانستان پورفیوسور ربانی گره خورد، دقیقاً یک مصیبت بزرگ دیگری را « ده سال و ده روز پس از مسعود» برخانواده جهاد مردم افغانستان وارد ساختند. قاموس مجاهدت و مبارزات حقیقی حکم میکند که18سنبله1380و29سنبله1390دونقطه نهایت زیانبار به پیکره مکتب جهاد و مقاومت برحق مردم افغانستان است. استاد شهید همواره در هر مقطع زمانی مطابق با شرایط سیاسی، خودش را آماده می ساخت، یعنی نوع مبارزات درخشان استاد متناسب بود به نوع تهاجمات تحمیلی، زمانی بود که کشور عزیز ما آماجگاه حملات نظامی شوروی متجاوز قرار گرفته بود که درآن وقت، ایجاب میکرد که مبارزه باید مسلحانه باشد، که استاد همچنان کردند، زمانیکه کشور از سوی برده های (آی اس آی) مورد حمله قرار گرفت، استاد در رأس یک طیف وسیعی از مجاهدین و مردم افغانستان قرار گرفت که گسترده گی لشکرش طول و عرض جغرافیای افغانستان را فرا گرفته بود، به مقاومت پرداختند. و در شرایط فعلی که جنگ تمدنهای منطقه و مبارزات فکری مطرح است، استاد، فکر کردند که درین شرایط باید راه صلح و تفاهم را در پیش بگیریم ودرین راه گامهای متین واستواری را آغاز کردند. اما با تأسف سرانجام درحالیکه آغوش مبارکشان برای پذیرش صلح و آشتی در پیشاپیش مهمان شیطان صفت که ادعا شده بود برای مقاصد صلح جویانه آمده است، باز شده بود که خلعت رنگین شهادت را پوشیدند. این بار نیز تروریستان نمک حرام ، نفرت، زشتی و شناعت خود را در برابر پیرمرد بزرگواری که عمرش در راه دعوت الی الله، به فرجام رسیده بود، ودر آن لحظه آغوش صمیمانه برای صلح و آشتی گشوده شده بود اما بی خبر از اینکه آن غلام صفت آغوش گشوده این رادمرد فرزانه تاریخ را با گلولة بمب پاسخ میدهد. استاد یکی از پشتازان نهضت اسلامی، مرد تاریخ، مرد جهاد و مقاومت، مرد سنگر و مرد سیاست بود. تروریستان با این کار خود ثابت ساختند که بدون جنگ و خشونت چیزی دیگری را نمی شناسند.

## طالبان.شورشی هاو دیگر مجرمین را حمایت نکنید

**برای اینکه آنها دشمنان جامعه اند.** رسانه های تیم پی آر تی

بعضی اوقات در جریان محاوره با مردمان محل می شنویم که طالبان در قریه جات می آیند و با پخش بعضی تهدیدات برای حامیان دولت را وادار می کنند تا قریه ها را ترک کنند. طالبان از روش های مختلف استفاده می کنند تا توجه مردم را به دست بیاورند و مردم را به طرف خویش بکشانند. و معمولاً آنها به مردم این را اظهار می دارند که نیروهای بین المللی کمک بر امنیت (آیساف) و آیساف می خواهند که فرهنگ غربی را وسعت بخشد و می خواهد که ثروت و غنایم افغانستان را با خود ببرد. اما، آیا این یک واقعیت است؟ آنها کی ها اند که خود را طالبان جنگجو خطاب می کنند؟ هدف اصلی ایشان چیست؟ چه کسی می تواند پاسخ درست را ارایه فرماید؟ پس طالب کی است؟طالب کلمه عربی بوده (در زبان فارسی به معنی دانش آموز است) اما اینها با استفاده از نام « دانش آموز» یک گروه ملیشه سیاسی و تروریستی را تشکیل داده اند که در اکثر ساحات افغانستان و پایتخت آن (کابل) حکومت کردند. و بنام امارات اسلامی افغانستان از سپتمبر 1996 حکومت را بدوش داشتند. و کمک های دیپلوماتیک خویش را از سه منبع به دست میآوردند: پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحده عرب. بعد از حمله 11 سپتمبر سال 2001، طالبان سرکوب شدند و پایه فرار گذاشتند و به پاکستان مسکن گزیدند و یک جنبش شورشی دیگر را دوباره ساختند تا با جمهوری اسلامی افغانستان بجنگد. شکل گیری حرکت دوباره طالبان (در اواخر 2001 تاسس شد) و بعد از آن دوره نیروهای بین المللی کمک بر امنیت (آیساف) تحت رهبری پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) شروع شد.اکثر رهبران طالبان پیروی از فندمیتالیسم دیوبندی می کنند و اکثر شان پیروی از معیار اجتماعی و فرهنگی پشتونوالی می کنند. جنبش طالبان ساخته شده از اعضای بود که به اقوام پشتون تعلق می گرفت. رهبر اصلی جنبش طالبان ملا محمد عمر است، قوماندانان اصلی ملا عمر اکثرآ قوماندانان قطعه های کوچک نظامی و استادان مدرسه ها بودند. در هنگام قدرت، یکی از موضوعات که روی آن اصرار داشتند تطبیق شریعت در جهان اسلام بود، اگر چه شریعت که توسط طالبان اجرا می شد توسط علمای اسلام اشتبا خوانده می شد، طالبان در باب پامال کردن حقوق زن ، تخریب و بد نام کردن فرهنگ افغانستان، معارف و صحت از سیستم سیاسی ظالمانه کار می گرفتند ، طالبان همیشه در صدد یافتن فضای اند که بدون قانون و بدون یک رهبر سیاسی باشد تا عدالت زیر پا گردد و جلوی ترقی گرفته شود ، همیشه در صدد یافتن راه سیاه (فعالیت های غیر قانونی) یعنی تجارت خشخاش، تجارت اسلحه و غیره فعالیت های غیر قانونی مانند: اختطاف، فساد، تهدیدات، خشونت و غیره اند. پس فعلاً، کسانیکه خود را جنگجویان طالب خطاب می کنند، چه کسی آنها را بدون اینکه طالب مجرم خطاب کند چیزی دیگر خطاب می کند؟ آنها فقط اعضای گروه مجرمین اند که با مردم خویش بصورت ظالمانه و خشن رفتار می کنند. آنها نهایت کوشش خویش را برای جمع آوری پول می کنند و این برای آنها فرق نمی کند که این پول را از کدام منبع پیدا کنند. دلایل خیلی زیادی وجود دارد که بخاطر بعضی موضوعات مردم تحت تاثیر تبلیغات مجرمین رفتند و همیشه پی آر تی و آیساف را مقصر می دانند اینکه سازمان های بین المللی برای افغانستان و بخصوص ولایت غور هیچ کار را انجام نداده است. اما آیا این یک واقعیت است؟ لطفاً یک نگاه به شهرتان داشته باشید و وضع کنونی را با وضع قبل از سال 2005 مقایسه کنید. میدان هوایی، قیر ریزی سرک های مناسب ، تعمیر قوماندانی امنیه و دیگر تاسیسات عام المنفعه را کی ساخته است؟ و در دوران طالبان چی ساخته شده بود ؟ چند پروژه توسط طالبان تطبیق گردیده است؟ چی مقدار پول توسط مجرمین برای حل مشکلات بشری بمصرف رسیده است؟ جواب صفر (0) خواهد بود. دولت جمهوری اسلامی افغانستان از مردم و رهبران جهادی می خواهند که از تبلیغات شورشی ها و فعالیت های مجرمین به دولت گزارش دهند. پس با انجام این کار دولت و نیروهای امنیت ملی افغانستان می تواند که به خوبی از مردم حفاظت کند و مانع تهدیدات شورشی ها شوند. دولت جمهوری اسلامی افغانستان در صدد تامین امنیت و آوردن فضای امن بخاطر حفظ کردن مردم از تهدیدات دشمن است. پس فقط همکاری مردم با دولت در روی یک هدف مشترک یعنی جنگ علیه مجرمین و شورشیان و حمایت نکردن طالبان و شورشیان می تواند امنیت مردم را تامین کند. اکثرآ، آوردن امنیت به دست خود مردم است، هرگاه مردم متحد باشند و هیچ کسی از شورشیها و طالبان حمایت نکند و به دولت و عساکر امنیت ملی همکار باشد، آنها به زودی ضعیف خواهند شد و بخودی خود به دولت تسلیم می شوند. بسیار مهم است اینکه مردم و علما این را بدانند که حمایت از دولت افغانستان می تواند برای تامین صلح کمک کننده باشد و از تهدیدات دشمن جلوگیری کند. مردم این را باید بدانند که هدف اصلی مجرمین جلوگیری از ترقی در کشور است، مجرمین نمی خواهند که ولایت شما امن باشد بخاطریکه با نا امنی می توانند فعالیت های غیر قانونی خود را انجام دهند و وقتی که فعالیت های غیر قانونی خود را انجام دادند می توانند صاحب پول زیاد شوند و اقتدار را در ساحات مختلف بگیرند پس تکراراً میگویم اینکه: حمایت از دولت افغانستان می تواند برای تامین صلح کمک کننده باشد و از تهدیدات دشمن جلوگیری کند.

## چرا قانون بالای زورمندان تطبیق نمیشود؟

مولوی محمداسحق امیری

تمام افراد بشر از نگاه انسان و اولاد آدم (ع) اند یکسان اند و یکی بر دیگری دراین قانون تمیز نداشته همه مساوی و برابرند. یعنی چه غنی چه فقیر چه ربیب و چه افراد عادی ملت در هر مقام که باشند احکام شریعت الهی برای همه یکسان است ، اگر اجرات دوره اول اسلام را که مطابق احکام شریعت صورت گرفته بررسی کنیم از هر مثال آن معلوم می شود که همه انسانها صرف نظر از جنس و نژاد و مقام در برابر قانون مساوی هستند. مثلاً حضرت عمر(رض) به ابوموسی اشعری(رض) بصفت یک قاضی نوشت که گفتن سخن حق اگر تطبیق نشود مفادی ندارد و در بین مردم مساوات کن که تا بزرگان از تو طمع نداشته باشند و ضعیفان از عدالت تو مایوس نشوند، چنانچه حدیث از عاشره ام المومنین(رض) روایت شده است که : « روزی اسامه بن زید دوست رسول الله (ص) شفاعت فاطمه بنت اسود را نمود زیرا آن قذیفه وزیرات کسی را دزدیده بود. حضرت پیغمبر(ص) بر اسامه غضب شده وگفت آیا در حدود خداوند(ج) شفاعت می کنید؟؟ خطابه ایراد نمود فرمود کسانیکه قبل از شما هلاک شدند سبب هلاکت شان این بود که اگر شخص قوی و بزرگ شان دزدی می کرد مزاحم او نمی شدند و اگر ضعیف شان می دزدید مجازات می شد. قسم یاد کرد اگر فاطمه بنت محمد(ص) دزدی کند هراینه دستش را قطع میکنم . صدق رسول الله (ص)

## به مناسبت وفات مرحوم

## استاد علم خان عثمانی

عبدالعلی اسیری

گلی کافور نهان از چشم ما شد

ز فرقت های او ناله به پا شد

سفر از دار فانی کرده استاد

یتیم بی نوا بی آشنا شد

شده خاموش شمع پر ز انوار

بما این روز همچون شب سیاه شد

سموم باد برگ گل فنا کرد

ز غمهایش چو بلبل ناله ها شد

مرا در آتش غمها نهاده

ز خویش و اقربای خود جدا شد

دل و جانم فدای رای آنکس

که راه او طریق اولیا شد

گزید او راه حق در دار فانی

که او حافظ قرآن خدا شد

به این مردم مظلوم بود خادم

ز تعلیمش همه دلها صفا شد

ز سوگ آن حبیب خوش لقای

چو لاله بر دل ما داغها شد

اسیری چاره دیگر نداشت

که با هرکه همین امر خدا شد

## انقلاب

قرابتعلی شاداب- لیسه مسلکی زراعت

انقلاب در سرزمین غور برپا می کنیم

حاکمان خاننش را گم ز دنیا می کنیم

گر خبر گردیم ز کار های خلاف هر ربیب

در میان ملت غم دیده ، رسوا می کنیم

این منیجر با خیانت کردن بسیار او

صبح صادق را برایش، شام و بیگا می کنیم

مأمور رشوت خور غورات را مابعد ازین

طبق قانون جزایی ، حکم اجرا می کنیم

مأمورین خوب خود را می کنیم خود انتخاب

نامه های خویش را ما جمله امضا می کنیم

شیوه نو پیش می گیریم ما در کار خود

نسل نو را تربیت از بهر فردا می کنیم

شیوه ماقبل را با جمله افراش خاک

ما سپرده یک روش تازه پیدا می کنیم

ما و تو شاداب غمگین و حزین در شهر خود

بیسوادان را جایش زود بالا می کنیم



## نا امنی های غور

عبدالفتاح فروزانفر

در این اواخر گراف مشکلات امنیتی ولایت غور به صورت جدی بالا رفته و نگرانی و تشویش مردم این ولایت گسترده تر از پیش گردیده است . با وصف که در چند سال اخیر ولایت غور امن ترین ولایت محسوب می شد . علائم و نشانه های خشونت و کشتار های بی رحمانه این اواخر ، نشان می دهد که افراد فرصت طلب در متن حکومت عرض وجود کرده و شام و سحر دسیسه بافی می کنند تا با پاشیدن بذر نفاق در بین طبقات جامعه ما و هسته گزاری حلقات ضد مردمی در بیرون حکومت سعی می کنند تا خون مردم را بریزند . قتل ، خونریزی و دهشت افگنی این اواخر نتیجه طرح برنامه های افراد است که با تشریک مساعی ددمنشان داخل حکومت بوده که چهره ها و برنامه های شان برای همه معلوم گردیده است. بنابراین لازم که مردم غور با درک حقایق و برداشتن گام های استوار و متین، عوامل نا امنی ها را بر دارند و بر ای بر قراری صلح و ایجاد زمینه تفاهم خود دست به کار شوند. افراد متمهد و مؤمن که متولد همین سرزمین اند هم مسؤلیت دارند که در تأمین امنیت صادقانه و باتعهد وارد عمل شوند. زیرا سهل انگاری و بی کفایتی فعلی اداره محلی غور زمینه را برای افراد خشونت طلب مهیا ساخته است تا به میل خویش کار کنند . بنابراین نا بسامانی های که دست پخت افراد بلند پایه حکومت به کمک افراد مسلح غیر مسؤل که در داخل و بیرون حکومت ملوک الطوائفی می کنند و با قربانی کردن مردم نفع می برند بیشتر این برای اصحاب خرد قابل قبول نیست.

## حمال سیاست

هدفمند

**انسان و هست و بودش . اموال سیاست**

**پژمرده . زیر پای : حمال سیاست**

**گم شد ره دین و دنیا ز بسکه:**

**شیون زده . در فلم و سیریا سیاست**

**آوای قلم تا حال . از مهد کودکی:**

**بند مانده. دست و پایش: در جال سیاست**

**اوراق کتاب و . در و دیوار مدرسه:**

**آزرده و مجروح ز قیل و قال سیاست**

**مردم همه بیکاره . بی نان و در بدر:**

**دهقان دروید. کشت و آمال سیاست**

## کنفرانس مطبوعاتی در کمپ پی آر تی

به تاریخ 18 عقرب 1390 تیم رسانه های پی آر تی کنفرانس مطبوعاتی در دایر نمودند ، در این کنفرانس ژورنالیست های افغان اشتراک کردند . قوماندان پی آر تی 13 در این کنفرانس کار ها و فعالیت های شش ماهه مأموریت تیم تحت رهبری خود را گزارش داد.

1- امنیت : پی آر تی روز سه گزمه بخاطر تأمین امنیت مجریان پروژه ها انجام داده است . مجریان پروژه ها (جاپان ، یوساید ، لیتوانیا و یونان ) است آنها با مردم ملاقات کردند ، بیشتر گزمه ها از طرف شب انجام یافته است ، هدف گزمه های شبانه بخاطر جلوگیری از کار های طالبان و قاچاقبران مواد بوده است . طی شش ماه گذشته سه صد گزمه انجام شده است .

2- آموزش پولیس : پولیس افغان توسط مشاورین ورزیده پی آر تی آموزش دیده اند. پولیس ملکی آموخته اند که دلایل اثبات جرم را چگونه پیدا کنند و به خارتوالی بدهند . برای پولیس نظامی (9) کورس دایر شده که در نتیجه (199) تن آموزش دیده اند . در جریان آموزش مسایل مخایر ، نقشه های عملیاتی و نحوه عملیات را آموخته اند . اکنون نیرو های امنیتی افغان پیشرفت نموده اند . طی این مدت با زون غرب هر روز 24 ساعت در تماس و هماهنگ بوده ایم .

3- آموزش اردوی ملی : اردوی ملی هم توسط پی آر تی آموزش دیده اند ، نیرو های اردوی ملی از افسر تا قوماندان تولى آموزش دیده اند ، اردوی ملی گزمه ، حفاظت از میدان هوایی و عملیات در برابر دشمن را آموخته اند . اکنون اردوی ملی یک تولى است برای آنها کمی تازه ساخته می شود تا زمستان را سپری کنند تا بهار به یک کندک تبدیل می شود و عملیات های نظامی به آنها تعلق می گیرد . در شش ماه گذشته در میدان هوایی غور 400 پرواز طیاره صورت گرفته است که 22% آن از ایساف و بقیه پرواز ها مردم افغانستان و جامعه جهانی بوده است که امنیت آنها را پی آر تی تأمین کرد .

4- صلح : پروسه صلح توسط افغان ها انجام می شود . کمیته صلح ولایتی و ادغام مجدد غور توسط پی آر تی آموزش دیده اند تا بتوانند طالبان را جذب دولت کنند . قوماندان های طالبان را تشویق کنند که به پروسه صلح بپیوندند و اسلحه خود را به مسئولین امنیتی بسپارند و لست آنها به وزارت داخله روان شود تا لست سیاه بیرون شوند . وزارت داخله در مورد قبول شدن و عدم قبول شدن آنها تصمیم می گیرد . لست را به مسئولین امنیتی می سپارد . افراد عادی رها می شوند و مجرمین به زندان می روند .

5- پیشرفت ها : چهار سازمان خیریه ( جاپان ، یوساید ، لیتوانیا و یونان ) در ولایت غور فعالیت می کنند . تا حال (340) پروژه به پایه اكمال رسیده است . این پروژه ها در بخش های زراعت ، آبیاری ، حج و اوقاف ، شاروالی ، سپورت ، امور جوانان ، امور زنان ، حقوق بشر بوده است .

6- صحت : طی شش ماه 4423 تن مریضان را اطفال ، مردها و زنان ها بوده اند رایگان تداوی شده اند پی آر تی در بخش های زنان (قابله ) و اطفال داکتر فعال و خوبی دارد . در جریان دو سال آینده باز سازی شفاخانه ولایتی با بودجه (9) میلیون دالر آمریکایی در پلان است ، شفاخانه جدید، باتجهیزات نو و وسایل جراحی جدید تحفه ای از مردم لیتوانیا به مردم افغانستان . مسؤلیت حفظ پروژه های را که پی آر تی ساخته مردم غور دارند ، پروژه های است که با هزینه گزاف برای مردم ساخته ایم ، اما وقتی که به نظارت یا سپردن آن به مردم می رویم می بینیم که کلکین و دروازه ندارند و یا ساکت های برق آن کنده است ، سرک بین شهر را قیر نموده ایم و توسط رمپ اپ از بودجه یوساید پیاده رو ساخته ایم ، اما شهردار خاک های سرک را پاک نمی کند ، یعنی ارزش و همت پروژه ها را نمی دانند . این سرزمین از مردم افغانستان است ، باید مسؤلیت خود را در برابر محیط خود انجام دهند .

**صاحب امتیاز:**

مرادی / 0794436779

**مدیر مسئول:**

غلام ربانی هدفمند / 0797244300 / hadafmand.25@gmail.com

**معاون مدیرمسئول:**

محمود خادمی / 0791924433

**سر دبیر:**

محمد آصف نالان / 0797594063 / Asif.ecgghor@gmail.com

**معاون سردبیر:**

میر آقا ساعد / 0797968944 / said514@yahoo.com

**ویراستار:**

نیاز محمد نیازی / 0798423831 / niazy\_2008@yahoo.com

**گزارشگر:**

نورالله نوری ، صدفدر وکیلی ، محمد یونس فانوس ، شاه محمد دهباز .

**هیئت تحریر:**

گروه نویسندگان .

**طرح و دیزاین:**

چاپخانه قادری کابل - افغانستان . شمارگان: 1500

**محل چاپ:**

## عدم موفقیت دولت در غور

نسیم سرحدی

درباره چگونگی فعالیت ها و کارکردهای نظام امروزی در غور همه تا اندازه آگاهی داریم و هر فرد غور تاحد توان می داند و آگاه است که ضعف دولت در کجاست؟ اینکه چرا نوجوانان ، جوانان ، شخصیت های فرهنگی در غور وخارج از غور ، علماء دین ، اهل کسبه ، گروه های کارگر خاموش اند و صدایی از حنجره شان نمی خیزد و سکوت را اختیار کردند، بدان معنی نیست که غافل و بی خبراند . عدم موفقیت در غور ممکن عوامل گوناگون داشته باشد، تعدادی از عوامل اساسی که به نظر من درین راستا وجود دارد تا حد توان شماره وار ذکر می کنم :

1- یکی از عوامل که باعث عدم موفقیت دولت شده و باید به درجه اولویت قرار داد، همانا عدم تغییر روستاء و مدیران در ادارات دولتی است، که ازین امر هیچ فردی آگاهی چشم پوشی کرده نمی تواند. همه می دانند که سالهاست که اکثریت رییس ها، ولسوال ها، مدیرهای معارف و مسؤولین بعضی از ارگان های کلیدی دیگر عوض نشده ؛ از زاویه دید ما این بزرگترین ضعف است، عامل ناتوانی است، پاشیده گی است، پوسیده گی است، بی خبری است، غفلت است و دشوارترین رنجی است که هیچ مردی یاری قدم زدن و قلم زدن را درین صحرا ندارد و از طرز بیان آن همه و همه احساس عجز می کنند. همه افراد غور از کودکان گرفته تا نوجوانان ، جوانان، و سال خورده گان می دانند که قرار گرفتن ریاست به دست يك شخص بصورت مستدام زمینه رشوت را مهیا می سازد. همه می فهمند و می بینند که موجودیت دایمی مدیر دریک اداره سبب آوردن اطرافیان و خویشانش در اداره می شود، این را تجربه نشان داده و تاریخ گواه است.

2- پاشیده گی نظام در ریاست معارف . نظام معارف در غور، ازالف تا یا سراسر پوسیده و ناکارآمد است ؛ نه رییس از اداره و پرسونل خود خیراست و نه مدیرهای معارف از مکتب ها . اکثریت مکتب های متوسطه و لیسه، معلم هایی دارند که از صنوف پایین فرارغ شده اند و صنف های بلند را تدریس می کنند، که این بزرگترین خطا در سیستم و نظام معارف است و غفلت معارف در برابر مردم ماست، دشمنی باماست ، با طفل ماست، به آینده ماست و بالاخره با خاک و وطن ماست ، که این غفلت روان تمام افراد آگاه ، علم پرور ، روشنفکر و عالم این مرزوبوم را می آزد و غفلت درین امر از نظرها مردود است و مسؤولین و پرسونل این ارگان هرگز قابل بخشش نیستند. سالهاست که فریاد می زنیم که معارف در برابر مردم ما، بیشتر از خدمت؛ خیانت می کند و این را هر لحظه بی که خواسته باشیم ثبوت می کنیم . بارها به مسؤولین غافل این ارگان گفتیم که به مردم درس نخوانده که روی مکتب را ندیده اند، علاقه بی به مکتب ندارند، ارزش علم را نمی دانند، زحمت نمی کشند، امتحان نمی دهند ، سند فراغت صنف دوازدهم را ندهید. اما این نظام ویروسی معارف به سخنان مردم گوش نداده و هنوز هم به کار خود ادامه می دهد. روزی از یکی افراد معارف سوال کردم ، چرا می خواهید شهادت نامه را به يك شخص درس نخوانده بدهید؟ جواب داد این شخص هم از وطن ماست، بگذار بگیره . پرسیدم بعد از گرفتن چی می کنه ؟ گفت: میروم معلم یا پولیس می شود . ببین اندیشه این کوردلان را . اگر معلم شود به همین مکتب ها می شود و طفل همین وطن را درس می دهد به بغداد که نمی رود. اگر پولیس شود باز هم به شهرو وطن خود ماست. با این همه مفکوره های بی معنی آباد شدن و وطن دشوار است بخدا ؛ روی این ملحوظ از مقامات بالا می خواهیم به سخن های ما گوش داده و درین رابطه تصمیم جدي تري بگیرند.

3- ( پولیس، امنیت، نظم عامه...) هم عیب های کلان دارد که مسؤولین امور توجه نموده ، با تعلیم و تربیه بیشتر اصلاحات لازم را بوجود بیاورند . کسی را که در رأس قوه اجراییه و حکومت قرار دارد، اگر گفتار و کردارش را عوض نکنند و درین رابطه غافل باشند و به اصطلاح ستون پنجم را از ادارات دولتی بکطرفه نکنند ، هرگز به آنچه خواسته باشند نمی رسند، نه خدمت می توانند و نه اصلاحات به وجود آورده می توانند بلکه؛ فساد بعضی ها تمام شان از دیده ها افتاده و منقور می شوند. با قرار گرفتن چنین شخصی در رأس قوه اجراییه ، رسیدن به هدف و موفقیت قوای سه گانه ( اجراییه ، قضاییه و مقتنه ) به قول سنایی غزنوی خواب است و خیال است و محال است و چون. آنچه بیشتر درد را افزایش می دهد این است که جناب که در رأس قوه اجراییه قرار دارد و مرکز ثقل حکومت را تشکیل می دهد ، به فرهنگ غوری ها آشنایی ندارد، به غورکلان نشده، مثل دیگران داغ برادر جوانش را ندیده، در زمان جهاد و مقاومت مجاهدین به غوروحتا به افغانستان نبوده، گرفتار کیبل ملاقطب الدین نشده، از خانواده های که جوان های شان به عوض خون خود از وطن دفاع کردند و با پیرهن خون آلود به زیرخاک به سر می برند غافل مانده ، مدیریت نکرده، از آدرس نامعلومی آمده به چوکی ولایت چسبیده . گویا همان مرغ افسانه یی هما را پرواز داده باشند و به سرجناب نشسته باشد و به قدرت رسیده باشد... هر قدر که موشگافی کنیم، نقطه و وصل بین جناب و مردم به چشم نمی خورد. می گویند آنچه بگنند نمکش می زند / وای از آن روز که گنند نمک . حالا نمک گنندیده شده. تمام پاشیده گی هایی که در دوگزینه ی قبلی ذکر کردم و به گزینه بدعی یاد آوری می کنم ، 100% رابطه مستقیم به غفلت والی دارد، هیچ فردی دیگری مقصر نیست. نمی دانم چرا با دانستن این همه غوری ها سکوت می کنند؟ دیگر سکوت درد کسی را دوا نمی کند و امید وارم هیچ فرد غوری خود را به ناهمی و بی خبری نزند زیرا خداوند بزرگ درسوره اسراییل آیه 72 می فرماید : من کان فی هذی الاعمی فهو فی الآخرت الاعمی . با آنچه گفته آمدیم ، سکوت و بی پروای در برابر جناب خطاست، خطاست، خطاست...

4- بی توجهی دولت به نسل جوان . نیروی جوان که ستون فقرات جامعه را تشکیل می دهد، انرژی دارند، تحرك دارند، نویسنده اند، عالم اند، دسترسى به تکنولوژی معاصر دارند، استعداد سخنرانی دارند، توان دفاع از خاک را دارند، در تحولات جامعه سهم بازر دارند و مهم تر از همه پرورده آغوش گرم مادران و امید پدران آن مرزوبوم اند، دولت هیچ نوع توجهی به آنها نمی کند. سخن شان شنیده نمی شود، آثاری که می نویسند تقدیر نمی شود، مقاله شان خوانده نمی شود و برعکس تهدید توهین و تحقیر می شوند. با این همه بی توجهی ، با این همه بد بختی ها خلا های دولت چگونه پیرایش شود ؟ این هم محال است. تمام کسانی که در رأس قرار دارند و نقطه فصلی در وسط چوکی دولتی و آن ها حتا به ذره بین هم دیده نمی شود ، مخاطب قرار داده می گویم که آگاه باشند و با زیره کی عمل کنند و بدانند که غور سرزمین مشترک همه غوری هاست و امتیازات ، فخر ، درد و رنج مربوط همه کسانی است که در جغرافیای نام غور، زندگی می کنند. به جناب که مدارزاد رییس است و جناب که به مصلحت والی و مدیر شده و نقش شاه شجاع را بازی می کند، به صراحت می گویم در برابر مردم احساس مسؤولیت کن، کمی کارکن، فعالیت انجام ده ، مگر نمی دانی خداوند بزرگ می فرماید: قد افلح من ذکها وقد خاب من دسها . این و اخلاق دین داری و مدیریت خوردن و خوابیدن و نفس پروری نیست.

**شنسب از قلم به دستان محترم آرزومند است که با ارسال مطالب مستند خود ما را یاری رسانید . شنسب در ویرایش**

**مطالب دست باز دارد . مسؤلیت مقالات چاپ شده به استثنای سر مقاله به دوش شنسب نیست. اداره ماهنامه شنسب**